

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَجَلَّيْتَ بِهَا لِلْكَلِيمِ  
عَلَى الْجَبَلِ الْعَظِيمِ، فَلَمَّا بَدَأَ شُعَاعُ نُورِ الْحُجُبِ  
مِنْ بَهَاءِ الْعِظَمَةِ خَرَّتِ الْجِبَالُ مُتَدَكِّدَةً  
لِعِظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَهَيْبَتِكَ وَخَوْفًا مِنْ  
سَطْوَتِكَ رَاهِبَةً مِنْكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَلَا  
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.»

(فرازی از دعای حجب، منقول از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

# ادب حضور

دفتر چهارم

اسرار اربعین موسوی علیه السلام

آداب و مراقبات ماه ذی قعدة و دهة اول ذی حجة

استاد محمدتقی فیاض بخش

## فهرست مطالب

۹	میقات موسوی <small>علیه السلام</small> و لقاء الهی
۱۰	اربعین موسوی <small>علیه السلام</small> در قرآن
۱۳	اهمیت عدد چهل در منازل سلوک
۲۳	نقش شب در اربعینیات
۲۷	کیفیت لقاء الهی در اربعین موسوی <small>علیه السلام</small>
۳۱	مقام لقاء؛ منتهای آرزوی سالکان
۳۲	مراتب لقاء
۳۳	مراد از «أَرِنِي» در میقات موسوی <small>علیه السلام</small>
۳۴	«رؤیت» در آیه ی میقات
۳۹	لقاء عینی؛ کشف حجاب از ملکوت انسانی
۴۲	معنای «لَنْ تَرَانِي» در بیان الهی
۵۱	مراقبات اربعین موسوی <small>علیه السلام</small>
۵۲	شوق دیدار؛ محور همه ی مراقبات
۵۷	مراقبه؛ اصل اول در سلوک الی الله
۶۵	توصیه ی اول: شناسایی رذیله ی اصلی
۶۹	کنترل زبان؛ مراقبه ی عام

۷۱	توصیه‌ی دوم: همت و محاسبه‌ی دوچندان
۷۵	توصیه‌ی سوم: رفع زمینه‌های گناه
۷۶	توصیه‌ی چهارم: عزلت
۷۹	مراتب عزلت
۸۳	پرهیز از سفرهای غیرضروری
۸۴	پرداختن به اشتغالات توحیدی
۸۴	غسل و نماز توبه
۸۶	روزه
۸۷	مراقبات دهه‌ی اول ذی‌حجه
۸۹	مراقبات این دهه
۹۲	روز عرفه
۱۰۰	شب عید قربان
۱۰۰	روز عید قربان
۱۰۴	فهرست منابع

## میقات موسوی علیه السلام و لقاء الهی

با توجه به آنکه سال توحیدی برای اهل الله با ماه رمضان آغاز می شود، ذی القعدة اولین ماه از ماه های حرام است و علاوه بر شرافت های خاص ماه های حرام، سرآغاز اربعین حضرت موسی علیه السلام در کوه طور و شروع میعاد است که آن حضرت عمری را در طلب آن بود و در آن، فصل جدیدی از تاریخ پرفراز و نشیب بنی اسرائیل رقم خورد. هرچند بسیاری از آن قوم، با گوساله پرستی، از آن همه نعمتی که محصول اربعین موسوی علیه السلام بود محروم گشتند، ولی میقات

---

۱- «قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام فِي قَوْلِهِ «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ» قَالَ: بِعَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ.» (امام علیه السلام درباره ی این کلام خداوند که فرمود: «با موسی علیه السلام سی شب وعده کردیم و آن را به ده شب دیگر کامل نمودیم»، فرمودند: منظور از ده شب، دهه ی اول ذی الحجة است.) (تفسیر العیاشی (ط. مکتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸ هـ.ق.)، ج ۲، ص ۲۵.)

الهی در اربعین موسوی، سرآغاز برکات فراوانی برای مؤمنین بنی اسرائیل گردید. به همین علت است که ماه ذی قعدة و دههٔ اوّل ذی الحجه، حائز شرافت‌های منحصر بفردی است که در بین ایام سال به «اربعین موسوی علیه السلام» معروف گردید و اهل معنا سرآغاز اربعینیات خود را در این ایام قرار می‌دادند. خداوند در دو سورهٔ قرآن پیرامون اربعین موسوی علیه السلام و اسرار آن اشاراتی را به صورت رمزگونه بیان می‌فرماید که با دقت در آن‌ها می‌توان به ابعاد این رخداد و بسیاری از نکات سلوکی و وظایف سالک در مراقبات و فکر و ذکر و خلوت و عزلت در اربعینیات پی برد. لذا قبل از ورود به مراقبات این ایام، اشاراتی به آیات مربوطه می‌نماییم.

### اربعین موسوی علیه السلام در قرآن

خداوند در سورهٔ بقره، نعمت‌های برجسته‌ای که به بنی اسرائیل ارزانی داشت یادآور می‌شود و هریک از آن‌ها را حجتی بر ضرورت شکر الهی و اطاعت از فرامین حضرت موسی علیه السلام بیان می‌دارد. خداوند در ادامه، به اربعین موسوی علیه السلام و اعطای الواح تورات در پایان این ایام می‌پردازد و بلافاصله با

تأسّف، به گوساله پرستی آنان اشاره می کند و اینکه بنی اسرائیل به جای شکر این همه نعمت، چگونه آن را کفران نمودند و دست به زشت ترین کار در قبال عنایت های خداوند یازیدند.

﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾<sup>۱</sup>

«و چون با موسی علیه السلام چهل شب وعده کردیم، پس از او گوساله پرست شدید و ستمکار بودید.»

این خود هشدار است به همه ی موحدین و سالکان مجذوب که هرگز از تلبیس های شیطان نباید غافل باشند و چه بسا بعد از اربعین های فراوان، ناگهان گوساله ها و بت های مخفی در زوایای قلوب آنان آشکار شود و خدا پرستی صوری آنان که در حقیقت گوساله پرستی بوده است، از شرک خفی به کفر جلی بدل گردد.

﴿اَفَرَايْتُمْ مَنِ اتَّخَذَ الْهَهُ وَ هَوْنَهُ وَاَضَلَّهُ اللهُ عَلٰى عِلْمٍ وَاَخْتَمَ عَلٰى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلٰى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللّٰهِ اَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾<sup>۲</sup>

۱- البقرة، ۵۱.

۲- الجاثية، ۲۳.



«پس آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را  
 خدای خود گرفت و خداوند او را، با وجود داشتن  
 علم، گمراه کرد و برگوش و قلبش مهر نهاد و بر  
 چشمش پرده انداخت؛ دیگر بعد از خدا چه کسی  
 او را هدایت می‌کند؟ آیا باز هم متذکر نمی‌شوید؟»  
 همچنین خداوند در سوره‌ی اعراف، با تفصیل  
 بیشتر به کم و کیف میقات الهی می‌پردازد و پس  
 از ذکر داستان بنی اسرائیل و یادآوری نعمت‌های  
 الهی برایشان، به میقات حضرت موسی علیه السلام اشاره  
 فرموده و آن را به دو مرحله‌ی سی شب و ده شب  
 تفکیک می‌نماید:

﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْرٍ  
 مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً...﴾<sup>۱</sup>

«و با موسی علیه السلام سی شب وعده کردیم و آن را به ده  
 شب دیگر کامل نمودیم، و وعده‌ی پروردگارش چهل  
 شب تمام شد.»

خداوند سپس به توصیف میقات و حالات حضرت  
 موسی علیه السلام در لقاء الهی می‌پردازد:

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ وَقَالَ رَبِّ  
 ارِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَلَكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ  
 فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ وَفَسَوَّاهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ  
 لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ  
 سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

«و هنگامی که موسی علیه السلام به وعده گاه ما آمد و  
 پروردگارش با او به گفتگو پرداخت، عرضه داشت:  
 پروردگارم، خود را به من بنماتا نظارهات کنم.  
 خداوند فرمود: هرگز مرا نخواهی دید؛ اما به این  
 کوه بنگر؛ اگر با تجلی من برجایش ثابت ماند، مرا  
 خواهی دید! هنگامی که پروردگارش بر کوه تجلی  
 کرد، آن را به شدت درهم کوبید و موسی علیه السلام  
 بیهوش شد؛ چون به هوش آمد عرض کرد: تو پاک  
 و منزهی، به سویت توبه کردم و من اولین مؤمنانم.»

در ادامه، با تکیه بر آیات فوق الذکر سوره های بقره  
 و اعراف، نکاتی را ذکر می کنیم.

### اهمیت عدد چهل در منازل سلوک

اولین نکته ای که از بیان الهی پیرامون اربعین  
 موسی علیه السلام به دست می آید، اهمیت عدد چهل در  
 منازل سلوکی است.

با توجه به تأکیدی که بر عدد چهل در برخی از آیات و روایات وجود دارد، روشن می‌شود که در این عدد خصوصیتی است که در سایر اعداد نیست؛ مثلاً خداوند در حدیث قدسی درباره‌ی خلقت حضرت آدم علیه السلام می‌فرماید:

«خَمَرْتُ طِينَةَ آدَمَ بِيَدَيَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً.»<sup>۱</sup>

«گل آدم را به دستان خویش چهل صبح سرشتم.»

همچنین نقل شده که پیکران حضرت در مراحل گوناگون خلقت تا تسویه‌ی کامل، در هر مرحله چهل سال باقی ماند، تا قابلیت دریافت روح الهی را پیدا کرد.<sup>۲</sup> نیز خداوند می‌فرماید که بلوغ عقلی انسان در چهل سالگی حاصل می‌شود:

﴿...حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ

أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ...﴾<sup>۳</sup>

«...هنگامی که انسان به حد بلوغ و رشد عقلی برسد

و به چهل سالگی برسد، آن هنگام می‌گوید: پروردگارا

۱- عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية (ط. دار سيد الشهداء للنشر،

۱۴۰۵ هـ.ق.)، ج ۴، ص ۹۸.

۲- بحار الأنوار (ط. دار إحياء التراث العربي، ۳۰۴۱ هـ.ق.)، ج ۱۱، ص ۱۲۱.

۳- الأحقاف، ۱۵.

مراتوفیق ده که شکر آن نعمت‌هایی که به من ارزانی فرمودی به جای آورم...»

همچنین کسی که شراب بنوشد، نماز او تا چهل شب مقبول نیست؛<sup>۱</sup> دربیانی دیگر، همین اثر برای خوردن مال حرام بیان شده است.<sup>۲</sup> در روایت دیگری آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کسی چهل حدیث نافع برای امت حفظ کند، از راه تبیین آن برای مردم و یا از راه پیاده کردن عملی آن در جامعه، روز قیامت فقیه محشور می‌شود.»<sup>۳</sup> در روایت نبوی صلی الله علیه و آله دیگری نقل شده: «کسی که چهل روز با اخلاص به سرببرد، چشمه‌های حکمت از قلبش

۱- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ شَرِبَ مِنْكُمْ مُسْكِرًا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ

لَيْلَةً.» (الكافي (ط. دارالكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ.ق.)، ج ۶، ص ۴۰۱)

۲- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً مِنْ حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً،

وَلَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.» (هر کس لقمه‌ای از حرام بخورد، تا

چهل شب نمازش پذیرفته نمی‌شود و تا چهل صبح دعایش مستجاب

نمی‌گردد.) (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۱۴)

۳- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا، بَعَثَهُ اللَّهُ

تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَفِيهَا عَالِمًا.» (هر کس چهل حدیث برای امت من نگهداری

کند که خداوند به واسطه‌ی آن‌ها ائمت‌م را سود رساند، خداوند تعالی روز

قیامت او را فقیه و عالم مبعوث فرماید.) (صحيفة الإمام الرضا عليه السلام (ط.

کنگره‌ی جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ هـ.ق.)، ص ۶۵)

برزبان او جاری می‌گردد<sup>۱</sup>. اینها و موارد فراوان دیگر، تأکید بر عدد چهل و جایگاه آن در مراقبات دارد. مرحوم آیت‌الله سید مهدی بحرالعلوم<sup>۲</sup> در آغاز رساله‌ی سیر و سلوکی که منسوب به ایشان است، فصل مستقلی را به خاصیت عدد چهل و تأثیر آن در منازل سلوک اختصاص داده است. ما حاصل بیان ایشان چنین است:

۱- «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَجَزَّ اللَّهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.» (کسی که چهل روز خود را برای خدا خالص کند، خداوند متعال چشمه‌های حکمت را از قلب او برزبانش می‌جوشاند.) «عدة الداعي و نجاح الساعي» (ط. دارالکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ هـ.ق.، ص ۲۳۲)

۲- آیت‌الله سید محمد مهدی بحرالعلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲ هـ.ق.) رئیس حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف و مرجع شیعیان در روزگار خود بود. ایشان شاگرد بزرگ و حیدر بهبهانی بود و منظومه‌ی ایشان در فقه معروف است. مقامات معنوی و سیر و سلوک توحیدی فوق‌العاده‌ی آن جناب، علامه را مورد احترام ویژه‌ی علمای شیعه و تالی معصوم قرار داده است. چنان‌که نقل شده که نه تنها ایشان بارها به حضور امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ مشرف گردید، بلکه امکان تشرّف پیوسته برایشان فراهم بوده است.

رساله‌ی سیر و سلوک منسوب به ایشان، بسیار مورد توجه اساتید اخلاق و سیر و سلوک بوده است. مرحوم آیت‌الله قاضی به این رساله عنایت بسیار داشتند و بنا به نقل مرحوم علامه‌ی طباطبایی، آیت‌الله قاضی درباره‌ی آن می‌فرمودند: «کتابی بدین پاکیزگی و پرمطلبی در عرفان نوشته نشده است.» ایشان همچنین فرموده بود: «سه نفر در طول تاریخ عارفان به مقام تمکّن در توحید رسیده‌اند: سید بن طاووس، احمد بن فهد حلّی و سید مهدی بحرالعلوم.»

نفس انسانی حقیقتی «ذومراتب» است؛ یعنی دارای مراتب و درجات مختلف است. پایین ترین مرتبه‌ی وجود انسان، بعد حیوانی و نباتی او است که تدبیر امور حیوانی و نباتی بدن را انجام می‌دهد. مراتب عالی تر نفس، از مرتبه‌ی عاقله و ناطقه شروع می‌شود و تا عالی ترین مدارج کمال وجودی و ارزشی سیر می‌کند؛ که همانا مقام خلیفه‌اللّٰهی و استقرار تحت مقام تامّ ولایت الهی است. این سیر، بنا بر اعتبارات مختلف، تقسیمات گوناگونی دارد؛ مثلاً در فرهنگ قرآن، به مرتبه‌ی مُلک و ملکوت و در کتب عقلی، به سه مقام عالم ماده، مثال و عقل تقسیم شده است؛ همچنین در اصطلاح عرفان، این مراتب به چهار حضرت تقسیم شده است که از عالم دنیا آغاز شده و سپس به عالم مثال و عالم عقل می‌رسد و در نهایت به اسماء کلیه ختم می‌گردد. مهم آن است که در این میان، انسان، جامع همه‌ی این مراتب است و لذا به او «کون جامع» گفته‌اند؛ یعنی او قابلیت درنوردیدن همه‌ی مراتب عالم را دارد و به همین خاطر او را عالم پنجمی نامیدند که جامع همه‌ی عوالم چهارگانه‌ی دیگر است.